

راز
موفقیت
رتبه‌های برتر
در یک نگاه



تطبیق طالبی

آزمون وکالت ۱۴۰۴

کانون وکلای دادگستری

با کتاب‌های چترانش

نام درس: حقوق مدنی
(سوال ۱ تا ۲۰)

(آموزش) ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۸ (نشر) ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷

آدرس موسسه (دفتر مرکزی): تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخررازی، نبش کوچه انوری، پلاک ۲۷



به تبلیغات نه، بلکه به **واقعیات و مستندات** نگاه کن.

چه موفق بشی چه ناموفق رسالت عادلانه تو اینست که
تجربه خودتو درست در اختیار داوطلبان بعدی قرار بدی
نه ما توی این فایل، سوالات کانون وکلای ۱۴۰۴ رو با کتب چتر دانش تطبیق دادیم؛
نه با شعار، با شماره صفحه و منبع دقیق.

- * می‌تونی ببینی هر سوال از کجا اومده
- * بفهمی واقعا چه قدر از آزمون، توی این منابع پوشش داده شده
- * و برای برنامه‌ریزی سال بعد، به جای حرف، روی «داده» تصمیم‌گیری

اگر از وعده‌های رنگارنگ خسته شدی،

این تطبیق، همون چیزیه که لازم داری:
سوال واقعی، منبع واقعی، تصویر واقعی از سطح آمادگیات



پاسخنامه ماده محور حقوق مدنی

سوال ۱: مستند به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و رای وحدت رویه ۷۱۸ در قانون یار حقوق مدنی از این ماده یک رای وحدت رویه و هشت نکته مرتبط و دو سوال از متن ماده که سوالات مرتبط، تالیفی و سنوات است و ابرابگذاری متن ماده هم لحاظ شده و در قانون تحریری ارتباط این ماده با سایر مواد برای داوطلبین استخراج شده است.

سوال ۲: مستند به ماده ۳۶۶ قانون مدنی در قانون یار چتردانش از این ماده ۱۳ نکته، سه سوال مرتبط و در قانون تحریری مواد مرتبط و آرای وحدت رویه مرتبط با این ماده لحاظ شده است.

سوال ۳: مستند به ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده و ۱۱۸۸ و ۱۱۸۳ قانون مدنی در قانون یار حقوق خانواده ۴ نکته در رابطه با ماده ۴۳ حمایت خانواده لحاظ شده است. در قانون یار مدنی در رابطه با ماده ۱۱۸۳ - ۱۰ نکته کاربردی آمده. در قانون یار مدنی در رابطه با ماده ۱۱۸۸ - یک نکته آمده است.

سوال ۴: مستند به ماده ۲۸۹ و ۱۷۸ قانون مدنی در قانون یار مدنی در رابطه با ماده ۲۸۹ - ۲۲ نکته آمده است و در قانون تحریری موادهای مرتبط هم لحاظ شده است.

سوال ۵: مستند به ماده ۱ قانون مسولیت مدنی

سوال ۶: مستند به تبصره دوم ماده ۸ قانون بیمه اجباری

سوال ۷: مستند به ماده ۱۲۴ قانون مدنی در قانون تحریری مواد مرتبط به این ماده آمده است.

سوال ۸: مستند به اصل ۱۷۱ قانون اساسی در قانون یار اساسی سه نکته و دو سوال مرتبط به اصل مزبور آمده و در قانون تحریری ذکر موادهای مرتبط هم آمده است.

سوال ۹: مستند به اصول حقوقی

سوال ۱۰: مستند به ماده ۲۴۶ قانون مدنی در قانون یار مدنی ۳ نکته از این ماده و دو سوال آمده است.

سوال ۱۱: مستند به تبصره ۲ ماده ۷ روابط موجر و مستاجر ۵۶

سوال ۱۲: مستند به ماده ۷۹۵ قانون مدنی در قانون یار حقوق مدنی از این ماده یک نکته و هشت سوال آمده است.

سوال ۱۳: مستند به ماده ۸۷۱ قانون مدنی در قانون یار مدنی ۴ نکته از این ماده آمده است.

سوال ۱۴: مستند به ماده ۳۶۳ قانون مدنی از این ماده ۴ نکته و یک سوال لحاظ شده است.

سوال ۱۵: مستند به ماده ۲۶۵ قانون مدنی در قانون یار ۸ نکته از این ماده آمده است.

سوال ۱۶: مستند به ماده ۸۶۲ قانون مدنی در قانون یار ۴ نکته آمده است.

سوال ۱۷: مستند به اصول حقوقی

سوال ۱۸: مستند به ماده ۵۶۵ قانون مدنی در قانون یار ۸ نکته از این ماده آمده است و ۷ سوال.

سوال ۱۹: مستند به ماده ۶۷۹ قانون مدنی در قانون یار ۱۴ نکته آمده است.

سوال ۲۰: مستند به ماده ۸۳۰ قانون مدنی در قانون یار ۵ نکته آمده است.



۱- مق ميس زن به شرع مندرج در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که براساس آن زن تا زمانی که مهریه او تسليم نشده است می تواند از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند ناظر بر کدام دسته از وظایف است ؟

الف) مطلق وظایفی که زن شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد.

ب) مطلق وظایفی که زن شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد مگر اینکه حکم اعسار زوج صادر شده باشد که در این صورت فقط تمکین خاص را در بر میگیرد.

ج) مطلق وظایفی که زن شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد مگر اینکه قبل از اخذ مهر تمکین به معنای خاص انجام شده باشد که در این صورت ناظر به سایر وظایف غیر از تمکین به معنای خاص است.

د) صرفاً تمکین به معنای خاص

گزینه الف صحیح است. مستند به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و رای وحدت رویه ۷۱۸

طبق رای وحدت رویه ۷۱۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور با ایجاد علقه زوجیت مهریه بر ذمه زوج مستقر می شود و طرفین مکلف می شوند به وظایف خود (که بخشی از آن در مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ آمده است) عمل نمایند. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به زن اختیار اعمال حق حبس را در قبال وظایفی که در مقابل شوهر دارد داده است قانونگذار به نحو عام تعبیر به وظایف کرده است و در اختیار دادن خود به شوهر به معنی خاص یکی از وظایف زن است، لذا حق حبس علی الظاهر ناظر به عموم وظایف است.

قانونیار

ماده ۱۰۸۵- زن می تواند تا مهر به او تسليم نشده، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع، مسقط حق نفقه نخواهد بود.

نکته ۱: طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ منظور از این تمکین، صرفاً تمکین خاص نیست، بلکه ناظر به تمام وظایفی است که قانوناً و شرعاً زوجه در برابر زوج دارد.

نکته ۲: شوهر در برابر زن، حق حبس ندارد و نمی تواند پرداخت مهریه حال به زن را منوط به تمکین او کند.

نکته ۳: در صورت مؤجل بودن مهریه و سپری شدن مدت آن، اگر ضمن این مدت، شوهر از وی درخواست تمکین نکرده باشد، با حال شدن مهریه، زن حق استناد به حق حبس را ندارد.

نکته ۴: در صورت عدم تعیین مهریه در عقد یا شرط شدن عدم تعیین مهر، زن نمی تواند تا تعیین تسليم مهریه، از تمکین امتناع کند.

نکته ۵: اعسار شوهر، مانع از استفاده زن از حق حبس نمی شود.



- نکته ۶:** حکم این ماده تکمیلی بوده و طرفین می‌توانند خلاف آن را با یکدیگر توافق کنند.
- نکته ۷:** این ماده هم بیان‌کننده‌ی تمکین عام می‌باشد و هم تمکین خاص.
- نکته ۸:** در نص ماده منظور از مهریه‌ی حال، مهریه‌ی حال عندالمطالبه است نه عندالاستطاعه.
- نکته ۹:** در تمکین، دوشیزه بودن شرط نیست.

ماده ۱۰۸۵ زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

مواد مرتبط: ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳، رای شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰

تحریر

نموداری

ماده ۱۰۸۵- زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۸ - ۱۳۹۰/۰۲/۱۳
هیئت عمومی دیوان عالی کشور

موضوع

زن در صورت حال بودن مهر می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید، لذا در صورتی که مهریه باید به صورت اقساط تأدیه شود، تا تأدیه کامل مهر زوجه می‌تواند از تمکین امتناع نماید.

متن رای

مستفاد از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این است که زن در صورت حال بودن مهر می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید، بنابراین رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان لرستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص و تأیید می‌گردد.

اعراب‌گذاری

ماده ۱۰۸۵- زَن می‌تواند تا مَهْر به او تسلیم نشده، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد، اِمْتِناع کند؛ مَشْرُوط بر اینکه مَهْر او حال باشد و اِن اِمْتِناع مَسْقُط حَقِ نَفَقَه نخواهد بود.



۲- شخص «الف» اتومبیلی را به شخص «ب» میفروشد و تمویل وی میدهد تا با آن مواد مخدر ممل کند و این موضوع در عقد تصریح میشود اتومبیل قبل از اینکه برای ممل مواد مخدر مورد استفاده قرار گیرد بر اثر قوه قاهره تلف میشود. به فرض اینکه بیع باطل باشد در خصوص ضمان شخص «ب» نسبت به عین و منافع اتومبیل کدام مورد صمیم است؟

الف) چون اتومبیل با اذن مالک در اختیار خریدار قرار گرفته شخص «ب» ضامن نیست.

ب) چون اتومبیل بر اثر قوه قاهره تلف شده و شخص «ب» تقصیری نداشته است ضمانتی بر عهده ندارد

ج) چنانچه اتومبیل پس از درخواست استرداد آن توسط شخص «الف» تلف شده باشد شخص «ب» ضامن است.

د) در هر صورت شخص «ب» ضامن است.

گزینه ب صمیم است. مستند به ماده ۳۶۶ قانون مدنی

همانطور که در فرض سوال آمده، معامله (بیع) به دلیل تصریح به جهت نامشروع (حمل مواد مخدر) باطل است عقد باطل هیچ اثری در تملیک ندارد (ماده ۳۶۶ قانون مدنی). یعنی با وجود انجام معامله و تحویل اتومبیل، شخص «ب» (خریدار) مالک اتومبیل نشده است و شخص «الف» (فروشنده) همچنان مالک محسوب می‌شود. وقتی شخصی مالی را بر اساس یک قرارداد باطل دریافت میکند، تصرف او "بد ضمانتی" محسوب میشود این بدین معناست که شخص «ب» در حکم غاصب تلقی شده و مسئول هرگونه تلف یا نقضی است که به مال وارد شود.

قانونیار

ماده ۳۳۶- هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۵/۱۰/۲۳)- چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

نکته ۱: استیفاء در صورتی مشروع می‌باشد که یا با تراضی یا با اذن صاحب حق یا فاعل کار انجام شود.

نکته ۲: در موردی که شخصی به سببی از اسباب قانونی از مال یا عمل دیگری استفاده می‌کند، ولی این سبب در قالب عقدی معین یا ایقاع قرار می‌گیرد، آنچه بر دارایی شخص افزوده شده را نباید از راه استیفاء دانست.

نکته ۳: استیفاء نامشروع یا بلاجهت موردی است که در آن شخص بدون رضای دیگری، از مال یا عمل دیگری استفاده کند و به واسطه آن بر دارایی خود بیافزاید.

نکته ۴: استیفاء نامشروع در موردی به کار می‌رود که تملک یا تصرف مال شخص دیگر در قانون دارای عنوان خاصی نباشد. برای مثال در صورت غصب مال شخصی توسط دیگری، ضمان گیرنده



قانونیار



- مال، تابع احکام غصب است نه استیفاء.
- نکته ۵:** در استیفاء از مال یا عمل غیر، اجرت تعیین نمی‌شود. زیرا در صورت تعیین اجرت، روابط طرفین یا مشمول مقررات عقد اجاره اشخاص است یا اجاره اموال و در این صورت، شخصی که از مال یا عمل او استفاده شده است، تنها استحقاق اجرت المسمی را دارد نه بیشتر.
- نکته ۶:** هم در استیفاء از مال غیر و هم در استیفاء از عمل غیر، این استفاده می‌تواند به اذن یا امر دیگری باشد و نباید چنین پنداشت که اذن، به استفاده از مال اختصاص دارد و امر به استفاده از عمل دیگری.
- نکته ۷:** الزام به پرداخت اجرت المثل در استیفاء، ناظر به انجام کاری است که مشروع باشد و بنابراین انجام کار نامشروع به خواسته یا پیشنهاد دیگری، موجب اجرت المثل نخواهد بود، مانند آسیب رساندن به شخص دیگر.
- نکته ۸:** اگر شخص، دیگری را به انجام کاری اجبار کند، اجبار کننده از باب مسئولیت مدنی ضامن خواهد بود و علاوه بر منافع شخص، هر خسارت دیگری که ناشی از اجبار است را باید جبران کند.
- نکته ۹:** استیفاء ماهیتاً از موجبات ضمان قهری است و تعهد ناشی از آن نیز الزامی خارج از قرارداد است.
- نکته ۱۰:** اگر شخصی بخشی از کاری را انجام دهد، نمی‌توان وی را ملزم به اتمام آن کرد و عامل به نسبت کاری که انجام داده است، مستحق اجرت است.
- نکته ۱۱:** ارجاع دادن کاری که عرفاً دارای اجرت نیست، به شخصی که عادتاً خود را برای انجام آن مهیا کرده است، حاوی تعهد ضمنی به پرداخت اجرت عمل او است.
- نکته ۱۲:** اصل بر عدم قصد تبرع است. لذا داشتن قصد تبرع، امری استثنایی و خلاف اصل است و بایستی اثبات شود.
- نکته ۱۳:** شخص نمی‌تواند بابت اجرای تکلیفی که بر عهده دارد، از دیگری، اجرتی مطالبه کند.

ماده ۳۳۶

هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهيای آن عمل باشد، عامل، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

تبصره ۵- چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.^۱

مواد مرتبط: بند ۶ تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ و مواد ۲۹ و ۳۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۷۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵

تحریر





واژگان دشوار: تبرع: انجام کاری یا بخشیدن چیزی بدون چشم‌داشت.

نموداری



ماده ۳۳۶- هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی

نماید که ◀ عَرَفَاً برای آن عمل، اُجرتی بوده
و یا آن شخص عادتاً مَهِیای آن عمل باشد

عامل مستحق اُجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تَبَرُّع داشته است.

تبصره^۱- چنانچه زوجه کارهایی را که

◀ شرعاً به عهده‌ی وی نبوده و
◀ عَرَفَاً برای آن کار اُجرت‌المثل باشد،
◀ به دستور زوج و
◀ با عدم قصد تَبَرُّع انجام داده باشد و
◀ برای دادگاه نیز اثبات شود،
دادگاه اُجرت‌المثل

کارهای انجام گرفته را ◀ محاسبه و
◀ به پرداخت آن حکم می‌نماید.

ماده ۳۳۶- هرگاه کسی بر حَسَبِ اَمْرِ دیگری، اقدام به عَمَلِ نماید که عَرَفَاً برای آن عَمَل، اُجرتی بوده و یا آن شخص، عادتاً مَهِیایِ آن عَمَل باشد، عامل، مُسْتَحَقِّ اُجَرَتِ عَمَلِ خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که قَصْدِ تَبَرُّع، داشته است.

تبصره- چنانچه زوجه، کارهایی را که شَرْعاً به عَهْدِ وی نبوده و عَرَفَاً برایِ آن کار اُجَرَتُ المِثْلِ باشد، به دستور زوج و با عَدَمِ قَصْدِ تَبَرُّع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اُجَرَتُ المِثْلِ کارهای انجام گرفته را مُحَاسِبِیهِ و بِه پرداختِ آن حُکْم می‌نماید.^۲

اصرا بگذاری



۱- الحاقی ۱۳۸۱/۰۵/۰۹

۲- الحاقی مُضَوَّب ۱۳۸۱



۳- کدام مورد در فصوص اجتماع همزمان تکلیف به مضانت و نمایندگی کودک [قانونی و قضایی]

در یک شفص صمیع نیست؟

- الف) ممکن است حضانت کودک بر عهده شخصی باشد که نماینده محجور محسوب نمیشود.
ب) از ولی قهری باشد. ولی قهری می تواند حضانت و نمایندگی کودک را بر عهده وصی قرار دهد و دادگاه تحت هیچ شرایطی حق دخالت در کار وصی را ندارد
ج) ممکن است با وجود زنده بودن ولی قهری حضانت و قیمومت کودک به صورت همزمان بر عهده شخص دیگری غیر از ولی قهری باشد.
د) ممکن است حضانت و قیمومت کودک به صورت همزمان بر عهده یک شخص باشد.

گزینه ب صمیع است. مستند به ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده و ۱۱۸۸ و ۱۱۸۳ قانون مدنی

قانونیار خانواده

ماده ۴۳- حضانت فرزندانی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

نکته ۱: این ماده انعکاس مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۱ قانون مدنی است. طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.» و ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی نیز مقرر می کند: «در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هرچند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.»

نکته ۲: منظور از ولی قهری، جد پدری طفل است.

نکته ۳: موارد عمده‌ی خلاف مصلحت در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی ذکر شده است.

نکته ۴: «چنانچه مادر ازدواج نماید و دادگاه خانواده اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند بداند به تقاضای ولی قهری یا دادستان حضانت را به ولی قهری طفل واگذار خواهد کرد و چنانچه مصلحت قابل تشخیص نباشد، حق حضانت مادر استصحاب می شود.» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۸۴۸)

قانونیار مدنی

ماده ۱۱۸۳- در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوقی مالی مولی علیه، ولی، نماینده قانونی او می باشد.

نکته ۱: در صورتی که ولی قهری، عملی را به عمد و یا با تبانی دیگری، به ضرر مولی علیه انجام دهد، حتی اگر طرف قرارداد از سوءنیت ولی قهری مطلع باشد، آن عمل غیرنافذ است.

نکته ۲: اگر ولی قهری برای انجام وظایف خود وکیل بگیرد، با پایان ولایت، وکالت منفسخ می شود،



قانونیار مدنی



- اما اگر وکالت برای مولی علیه باشد، انقضای ولایت در آن مؤثر نخواهد بود.
- نکته ۳:** وظیفه ولی قهری، محدود به اداره امور مالی مولی علیه نیست، بلکه اداره امور شخصی و مواظب از مولی علیه را نیز شامل می شود.
- نکته ۴:** اگر به دلیل صدمات وارده بر جنینی وی به صورت ناقص متولد شود، ولی قهری او، به عنوان نماینده قانونی وی، حق مطالبه خسارت را دارد.
- نکته ۵:** ولی قهری، حق دریافت اجرت ندارد، ولی در صورت فقیر و واجب النفق بودن، حق دارد به اندازه نیاز خود و در حدود تمکن مالی مولی علیه، از وی نفقه بگیرد.
- نکته ۶:** در انجام امور مربوط به ولایت، اصل بر اختیار ولی قهری است، مگر در صورتی که ثابت شود تصرف مالی برخلاف مصلحت محجور بوده است، اما در امور غیر مالی، اصل بر عدم ولایت است.
- نکته ۷:** در خصوص امور غیر مالی، مانند نکاح، طلاق و اقرار به نسب، اصل بر عدم اختیار ولی قهری است و تنها در موردی نمایندگی دارد که قانون، به وی اجازه داده باشد.
- نکته ۸:** در صورتی که ولی قهری، مال مولی علیه را برای مدتی بیش از دوران حجر او اجاره می دهد، طبق نظر دکتر کاتوزیان، نفوذ اجاره پس از زوال حجر، قوی تر به نظر می رسد.
- نکته ۹:** اگر ولی قهری اعمال حقوقی انجام دهد، با خروج صغیر از حجر و رشید شدن او، این اعمال همچنان نافذ است و مولی علیه حق فسخ یا ابطال آنها را ندارد، مگر اینکه ثابت کند اقدام ولی قهری در راستای حفظ مصلحت او، انجام نشده است.
- نکته ۱۰:** وکیل که ولی برای انجام دادن وظایف خود می گیرد با پایان ولایت، (زوال حجر - فوت ولی) منفسخ می شود.

ماده ۱۱۸۸ - هریک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری، می تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می باشند، وصی معین کند، تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

نکته: تعیین وصی از سوی پدر و جد پدری به جهت: ۱- نگهداری ۲- تربیت ۳- اداره اموال می باشد.

تحریری



ماده ۴۳ ق. ح. خانواده حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

مواد مرتبط: مواد ۱۱۷۱ و ۱۱۷۳ ق. م. / ماده ۲۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲



تحریری

ماده ۱۱۸۳ در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوقی مالی مولی علیه، ولی نماینده قانونی او می‌باشد.

ماده ۱۱۸۸

هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده و اموال آن‌ها را اداره نماید.

قوالتین خاص نموداری

حضانة فرزندانى كه پدرشان فوت شده با مادر آن‌ها است

ماده ۴۳- مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا اعطای حضانة به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

مدنی نموداری

ماده ۱۱۸۳- در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد.

ماده ۱۱۸۸- هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری

می‌تواند برای اولاد خود، که تحت ولایت او می‌باشند، وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده و اموال آن‌ها را اداره نماید.

اصراپ‌گذاری

ماده ۱۱۸۳- در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی مولی علیه، ولی، نماینده قانونی او می‌باشد.

ماده ۱۱۸۸- هر یک از پدر و جد پدری، بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند، وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده و اموال آن‌ها را اداره نماید.

۱- در روزنامه رسمی به جای «حقوق»، «حقوقی» درج گردیده است.



اعراب‌گذاری

۱۴- کدام مورد در فصوص تفاوت و تشابه «إبراء» و «اعراض» صمیع است؟

- الف) ابراء همیشه موجب سقوط تعهد است اما اعراض ممکن است به صورت غیر مستقیم موجب سقوط تعهد باشد یا نباشد.
- ب) ابراء همیشه موجب سقوط تعهد است اما اعراض هیچگاه موجب سقوط نخواهد بود.
- ج) هم ابراء و هم اعراض ممکن است موجب سقوط تعهد باشند یا نباشند.
- د) ابراء همیشه موجب سقوط تعهد است اما اعراض تنها در صورتی موجب سقوط تعهد است که بین متعهد و متعهدله تراضی جداگانه ای واقع شده باشد.

گزینه الف صمیع است. مستند به ماده ۲۸۹ و ۱۷۸ قانون مدنی

قانونیار

ماده ۱۷۸- مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

- نکته ۱:** اعراض یک عمل حقوقی از نوع ایقاع است و نیازمند قصد انشاء می‌باشد.
- نکته ۲:** صرف نظر کردن از حقوق دینی را ابراء می‌گویند که باعث سقوط دین می‌شود.
- نکته ۳:** اموالی که تملک آن‌ها مستلزم انجام تشریفات است، اعراض از آن‌ها نیز نیازمند تشریفات است. بنابراین اعراض از ملک ثبت شده، مستلزم رجوع به دفاتر ثبت اسناد و املاک است.

- نکته ۴:** اعراض مالک از مال، صرفاً به اشیای غرق شده در دریا اختصاص ندارد، بلکه اعراض از هر مالی اعم از اینکه در دریا یا خشکی باشد، آن را به اشیای مباح مبدل می‌کند که هر شخصی می‌تواند آن را تملک نماید.

۱.. کدامیک از موارد زیر را نمی‌توان مصداق واقعه حقوقی دانست؟

- الف) اتلاف عمدی ب) اعراض ج) تولد و مرگ د) غصب مال غیر

۲.. دفینه که مالک آن معلوم نباشد...

- الف) متعلق به بیت‌المال است. ب) متعلق به یابنده است.
- ج) در ید یابنده، امانت مالکانه است. د) در ید یابنده، امانت شرعی است.

ماده ۲۸۹- ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر نماید.

- نکته ۱:** ابراء یک عمل حقوقی از نوع ایقاع است و بنابراین به اراده یک جانبه طلبکار واقع می‌شود



قانونیار



و نیازمند اراده و قصد انشاء او می‌باشد.

نکته ۲: ابراء نیز همانند رهن و ضمان، یک عمل حقوقی تبعی است که اعتبار و نفوذ آن، تابع وجود دین است. پس اگر قبل از ابراء، دین به دلیلی مانند تهاتر یا وفای به عهد، ساقط شده و از بین رفته باشد، ابراء فاقد موضوع بوده و باطل است.

نکته ۳: ابراء به معنای اسقاط حق دینی است. اسقاط حقوق عینی و صرف نظر از آنها را اعراض می‌گویند.

نکته ۴: ابراء دینی که هنوز به وجود نیامده یا اینکه ساقط شده است، صحیح نیست. اما ابراء دینی که سبب آن به وجود آمده، صحیح است.

نکته ۵: ابراء یک ایقاع رضایی و غیرتشریفاتی است و حتی برای وقوع آن، نیازی به اطلاع یافتن بدهکار از ابراء وجود ندارد.

نکته ۶: اراده بدهکار نه تنها در وقوع ابراء نقشی ندارد، بلکه حتی بدهکار نمی‌تواند ابرائی که از سوی طلبکار واقع شده را رد کند.

نکته ۷: اگر طلبکار، طلب خود را به بدهکار ببخشد، عمل حقوقی واقع شده، ابراء نیست، بلکه هبه طلب است که نوعی عقد بوده و نیازمند قبول مدیون است.

نکته ۸: اگر چند شخص نسبت به یک دین به صورت تضامنی مدیون باشند، در صورت ابراء از سوی طلبکار، اگر مقصود وی ابراء از اصل دین باشد، موجب بری‌الذمه شدن تمام مدیونین خواهد بود، ولی شخصی که ابراء نسبت به وی صورت گرفته، قائم‌مقام طلبکار نمی‌شود و حق رجوع به دیگران را ندارد.

نکته ۹: اگر چند شخص نسبت به یک دین به صورت تضامنی مدیون باشند، هبه دین به یکی از آنها از سوی طلبکار، موجب می‌شود طلب به وی منتقل شود و در این صورت نه تنها سایرین، بری‌الذمه نمی‌شوند، بلکه متهم می‌تواند به قائم‌مقامی از طلبکار، به سایرین رجوع کند.

نکته ۱۰: ابراء یک عمل حقوقی مبتنی بر مسامحه است و در آن، علم اجمالی به موضوع ابراء کافی است.

نکته ۱۱: در ابراء می‌توان شرط عوض درج کرد، اما در صورتی که عوضی بخواهد به صورت مستقیم در برابر ابراء قصد شود، ابراء نیست بلکه ماهیتاً نوعی تبدیل تعهد به تراضی طرفین است.

نکته ۱۲: در صورت واقع شدن ابراء، تضمینات دین اعم از عینی یا شخصی نیز ساقط خواهند شد.

نکته ۱۳: وصیت به ابراء نیز ایقاع است و نیازی به قبول موصی‌له (بدهکار) ندارد.

نکته ۱۴: ابراء وسیله اسقاط طلب است، در حالی که هبه طلب به مدیون، موجب انتقال طلب از طلبکار به بدهکار خواهد بود و از جهت ماهیت نیز ابراء ایقاع می‌باشد، در صورتی که هبه طلب به مدیون عقد می‌باشد.

نکته ۱۵: پس از تحقق هبه طلب به مدیون و انتقال طلب به وی، دین از جهت تحقق مالکیت مافی‌الذمه ساقط می‌گردد و به همین جهت در این فرض هبه قابل رجوع نیست.

نکته ۱۶: موضوع ابراء همواره کلی و عبارت از دینی است که در ذمه مدیون قرار می‌گیرد و عین‌معین که در تصرف دیگری است مالک نمی‌تواند به وسیله ابراء حق خود را نسبت به آن ساقط نماید.



قانونیاری



نکته ۱۷: دین مورد ابراء باید آزاد باشد؛ یعنی از طرف مقامات صالحه بازداشت نشده و متعلق حق ثالث قرار نگرفته باشد.

نکته ۱۸: ابراء به هر وسیله‌ای که عرفاً دلالت بر آن کند اثبات می‌گردد، خواه لفظ باشد، خواه عمل.

نکته ۱۹: اعراض اسقاط حق عینی است و در آن حق مالک نسبت به مالی که از آن اعراض شده است، ساقط می‌شود و مال مزبور پس از اعراض در ردیف اموال بلا مالک و مباح در خواهد آمد.

نکته ۲۰: ابراء فقط با اراده طلبکار واقع می‌شود حتی اگر با انگیزه‌ی گرفتن پاداش باشد.

نکته ۲۱: شرط عوض در ابراء باعث معوض شدن آن نمی‌شود.

نکته ۲۲: شرط عوض باعث بطلان ابراء نیست.

تحریری



ماده ۱۷۸: مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

ماده ۲۸۹: ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر نماید.

مواد مرتبط: مواد ۳۲۱ و ۳۲۲ قانون مدنی

نموداری



❑ ماده ۱۷۸ - مالی که
◀ در دریا غرق شده و
◀ مالک از آن اعراض کرده است.

مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

❑ **ماده ۲۸۹:** ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند.

اعراب‌گذاری



ماده ۱۷۸ - مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

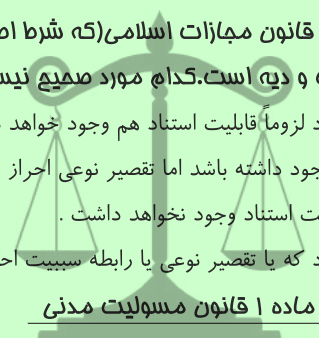
ماده ۲۸۹ - ابراء، عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار، صرف‌نظر نماید.



۵- در فصول مقایسه و ارتباط تقصیر نوعی و قابلیت استناد (به شرح مندرج در ماده ا قانون مسئولیت مدنی و باب دیات در قانون مجازات اسلامی) که شرط اصلی تحقق مسئولیت مدنی وارد کننده زیان برای پرداخت خسارت و دیه است. کدام مورد صمیع نیست؟

- (الف) اگر تقصیر نوعی احراز شود لزوماً قابلیت استناد هم وجود خواهد داشت .
- (ب) ممکن است قابلیت استناد وجود داشته باشد اما تقصیر نوعی احراز نشود .
- (ج) بدون احراز تقصیر نوعی قابلیت استناد وجود نخواهد داشت .
- (د) قابلیت استناد وقتی وجود دارد که یا تقصیر نوعی یا رابطه سببیت احراز شود.

گزینه ج صمیع است. مستند به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

نمهوداری

ماده ۱- هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی در نتیجه بی احتیاطی

یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای

وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول

جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

۶- چنانچه در بیمه امیاری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی در مقابل ششفس ثالث بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی نموداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذب طوری باشد که موضوع فطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد در فصول وضعیت مقوقی عقد بیمه و مقوق و تکالیف بیمه‌گذار بیمه‌گر و ششفس ثالث در صورت روی دادن ماده کدام مورد صمیع است؟

(الف) عقد صحیح است و بیمه‌گر مکلف به جبران خسارات ثالث است اما می‌تواند تمام خسارات پرداخت شده را از بیمه‌گذار مسترد نماید.

(ب) عقد صحیح است و بیمه‌گر مکلف است خسارات شخص ثالث را جبران کند.

(ج) عقد باطل است و بیمه‌گر مکلف به جبران خسارات ثالث است اما می‌تواند تمام خسارات پرداخت شده را از بیمه‌گذار مسترد نماید.

(د) عقد صحیح است و بیمه‌گر مکلف به جبران خسارات ثالث است اما بعداً می‌تواند از بیمه‌گذار، حق بیمه اضافی و خسارت دریافت کند.

گزینه ب صمیع است. مستند به تبصره دوم ماده ۸ قانون بیمه امیاری



نموداری



طبق تبصره دوم ماده ۸ قانون بیمه اجباری در صورت بروز حادثه، بیمه‌گر مکلف است کلیه خسارات وارده را مطابق این قانون پرداخت کند و مواد (۱۲) و (۱۳) قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در این مورد اعمال نمی‌شود. طبق ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ «هر گاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تاثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند.»

قوانین خاص نموداری



تبصره ۲- مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه‌نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت

شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از

محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

۷- کدام یک از موارد زیر مایه از اماره تصرف نسبت به حق ارتفاق نیست؟

- الف) هرگاه کسی از قدیم در ملک دیگری مجرای آب به ملک خود داشته باشد مالک نمی‌تواند مانع آب بردن و عبور او از ملک خود شود.
- ب) هرگاه زمین کسی مجرای آب باران زمین دیگری بوده باشد صاحب آن زمین نمی‌تواند جلوگیری از آن کند.
- ج) اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختص همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد باید به حال سابق بماند.
- د) چشمه واقع در زمین کسی محکوم به ملکیت صاحب زمین است مگر اینکه دیگری نسبت به آن چشمه عیناً یا انتفاعاً حق داشته باشد.

گزینه ب صحیح است. مستند به ماده ۱۲۴ قانون مدنی

ریشه این گونه ارتفاقات در بیشتر موارد وضع طبیعی املاک است. (این تست بر اساس مطالب شادروان دکتر کاتوزیان مطرح شده است مراجعه کنید به کتاب اموال و ملکیت مطلب شماره ۲۱۲ و قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی صفحه ۸۹ ذیل ماده ۱۲۴ ق.م و صفحه ۷۹ ذیل ماده ۹۵ و ۹۶) در مورد گزینه د باید گفت که ملکیت چشمه نتیجه اجرای اماره تصرف است.

سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

(آموزش) ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۸ (نشر) ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷

آدرس موسسه (دفتر مرکزی): تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخرآزی، نبش کوچه انوری، پلاک ۲۷



قانونیار

پتر دانش



ماده ۱۲۴- اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد، باید به حال سابق باقی بماند و اگر به سبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود، صاحب عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد، مگر این که ثابت نماید وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده است.

تحریر

پتر دانش



ماده ۱۲۴- اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد، باید به حال سابق باقی بماند و اگر به سبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود، صاحب عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد، مگر این که ثابت نماید وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده است.

مواد مرتبط: مواد ۳۵ و ۹۷ قانون مدنی

نمودار

پتر دانش



ماده ۱۲۴- اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد، باید به حال سابق باقی بماند و اگر به سبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود، صاحب عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد، مگر این که ثابت نماید وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده است.

مواد مرتبط: مواد ۳۵ و ۹۷ قانون مدنی

اعراب‌گذاری

پتر دانش

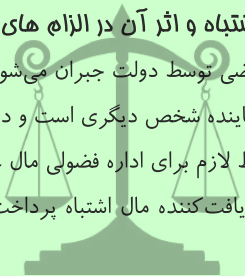


ماده ۱۲۴- اگر از قدیم سرتیر عمارتی، روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد، باید به حال سابق باقی بماند و اگر به سبب خرابی عمارت و نحو آن، سرتیر برداشته شود، صاحب عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه، حق ممانعت ندارد مگر این که ثابت نماید، وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده است.

سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۸- کدام یک از موارد زیر در فصوص اشتباه و اثر آن در الزام های خارج از قرارداد، صمیم است؟

- (الف) خسارت ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی توسط دولت جبران می‌شود.
- (ب) اگر شخصی به اشتباه فکر کند که نماینده شخص دیگری است و در نتیجه اموال او را اداره کند مستحق دریافت مخارج نیست هر چند که شرایط لازم برای اداره فضولی مال غیر وجود داشته باشد.
- (ج) در ایفای ناروا برای تحقق ضمان دریافت کننده مال اشتباه پرداخت کننده مال ضروری است اما اشتباه دریافت کننده مال ضرورت ندارد.





د) با توجه به نوعی بودن تقصیر در مسئولیت مدنی اشتباه نیز تقصیر نوعی محسوب می‌شود.

گزینه د صحیح است. مستند به اصل ۱۷۱ قانون اساسی

قانونیار قانون اساسی

پتر دانش



گزینه الف نادرست است زیرا طبق اصل ۱۷۱ ق.ا. هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی ضرری متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود. گزینه ب نادرست است زیرا چنانچه شخصی به اشتباه فکر کند که نماینده شخصی است و در نتیجه اموال او را مورد اداره قرار دهد در این حالت اشتباه موثر نبوده و در صورت اجتماع شرایط اداره فضولی مال غیر او مستحق دریافت مخارج می‌باشد (دکتر کاتوزیان الزامات خارج از قرارداد ص ۳۶۵ مطلب شماره ۵۹) گزینه ج نادرست است زیرا برای تحقق ضمان دریافت‌کننده مال اشتباه پرداخت‌کننده مال و دریافت‌کننده آن ضروری نیست.

اصل یکصد و هفتاد و یکم- هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود، در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و یکم از منظر قوانین داخلی

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی:

کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند؛ ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی درمورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

اصل یکصد و هفتاد و یکم از منظر دکترین

نکته ۱: در حقوق اداری زمانی که بحث از مسئولیت مدنی دولت می‌شود، دولت به مفهوم کل حاکمیت سیاسی موردنظر نیست و لذا طرف خطاب آن بخشی از حاکمیت سیاسی که موجب ورود خسارت به افراد شده است خواهد بود و به بیان دیگر عملی که یک نهاد دولتی انجام داده است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، به همین لحاظ این موضوع که چه عملی و توسط چه نهاد دولتی موجب ایجاد



قانونیار قانون اساسی

پتر دانش



مسئولیت مدنی گردیده است در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد. فعالیت‌هایی که علت ورود خسارت از ناحیه نهادهای دولتی می‌گردد به فعالیت‌ها با اعمال تقنینی، قضایی و اداری (اجرایی) تقسیم می‌شوند (استوار سنگری، ۱۳۹۴: ۳۸۰).

نکته ۲: می‌توان در حقوق عمومی از فرض خطا پذیر بودن اشخاص سخن به میان آورد. یعنی فرض بر این است که مقامات و نهادهای متصل به اقتدار عمومی همیشه در معرض خطا و سوءاستفاده از اختیارات خود قرار دارند. با پذیرش چنین فرضی منطقاً باید به پذیرش اصل مسئولیت درباره این مقامات و نهادها و عدم مصونیت آنها تن داد (ازندریانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

نکته ۳: ضرر معنوی عبارت از صدماتی است که آثار عاطفی داشته و درد و رنج روحی به بار آورد. زیان وارده به حیثیت و شهرت و آنچه در زبان عرف سرمایه و دارایی معنوی شخص است و همچنین لطمه به عواطف و ایجاد تالم و تأثر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود می‌بیند اما این خسارات قابل تقویم نبوده و نمی‌توان آنها را با پول ارزیابی کرد به همین جهت آن را جبران ناپذیر می‌دانند اما از طرف دیگر ممکن است شرایط و اوضاع و احوال اقتضای دیگری داشته باشد بدین معنی که در بعضی از موارد اگر پرداخت مادی در مقابل خسارت معنوی جبران‌کننده نباشد ممکن است تا حدودی خسودکننده باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۲).



۱. در فصوص اشتباه قاضی در تطبیق موضوع یا مکم. چنانچه فسارتی به کسی وارد شود چه نوع ضمانت اجرایی در نظام حقوقی ایران مقرر شده است؟ (رکتری ۹۶)

الف) جبران خسارت مادی توسط قاضی

ب) صرفاً جبران خسارت مادی توسط دولت

ج) جبران خسارت مادی و معنوی توسط دولت

د) جبران خسارت مادی توسط قاضی و جبران خسارت معنوی توسط دولت

۲. در صورت تقصیر قاضی چه کسی مسئول جبران فسارت است؟ در صورت قصور چه کسی؟

الف) قاضی - قاضی

ب) قاضی - دولت

ج) دولت - قاضی

د) دولت - دولت

پاسخنامه

۱ ج

۲ ب

ب هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.



تحریریا پتر دانش



اصل یکصد و هفتاد و یکم

هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی، ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت، جبران می‌شود، و در هر حال از متهم، اعاده حیثیت می‌گردد.

قوانین و مقررات مرتبط:

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و اصل ۳۷ و ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی

رای وحدت رویه: شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۷

واژگان دشوار: اعاده حیثیت: اعاده حیثیت یا بازگرداندن آبرو عبارت است از جبران تمامی ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از هتک حیثیت افرادی که قربانی اشتباهات قضایی گردیده یا محکومیت قضایی یافته‌اند و رفتارشان در طول زمان به نحوی بوده که عدالت و انصاف اقتضای آن را دارد که آثار محکومیت کیفری‌شان محو شود.

نمودارها

پتر دانش



اصل یکصد و هفتاد و یکم - هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی

موضوع در
یا در حکم
یا در تطبیق حکم بر مورد خاص
ضرر
مادی یا معنوی

متوجه کسی گردد،

در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی، ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت، جبران می‌شود و در هر حال از متهم، اعاده حیثیت می‌گردد.



۹- کدام یک از قواعد زیر تکمیلی است؟

- الف) قاعده امکان فروش عین مرهونه توسط مرتهن برای استیفای طلبش
- ب) قاعده به ارث رسیدن حق شفعه
- ج) قاعده قائم به ملک بودن حق ارتفاق
- د) قاعده تبعیت منافع از عین در عقد بیع

گزینه د صحیح است. مستند به اصول مقوقی

۱۰- چنانچه معامله به سبب یکی از اسباب انملال قرارداد منحل شود و در ضمن قرارداد شرط فعلی

شده باشد و به آن شرط عمل نشده باشد شرط چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- الف) شرط باقی می‌ماند و کسی که ملزم به انجام شرط است تکلیف دارد به آن عمل کند.
- ب) باطل می‌شود.
- ج) شرط نیز منحل می‌شود چون معامله اصلی باطل نبوده است.
- د) شرط ممتنع می‌شود و موضوع مشمول ماده ۲۴۰ قانون مدنی است.

گزینه ب صحیح است. مستند به ماده ۲۴۶ قانون مدنی

طبق ماده ۲۴۶ ق.م در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود.

قانونیار پتر دانش



ماده ۲۴۶- در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است، باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است، عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد.

نکته ۱: در مورد شرط صفت در صورت انحلال عقد چون شرط صفت وجود مستقلاً ندارد به تبع مورد معامله به مالک آن برمی‌گردد در نتیجه همانگونه که مورد معامله با انحلال عقد از بین نمی‌رود بلکه فقط مالکیت آن تغییر می‌کند شرط صفت نیز که وابسته به مورد معامله است از بین نرفته و باطل نمی‌شود بلکه به تبع مورد معامله انتقال پیدا می‌کند مثلاً من از شما فرشی را می‌خرم به شرط آن که بافت کاشان باشد سپس من و شما با هم عقد را اقاله می‌کنیم اگر فرش بافت تبریز بوده باشد آیا بعد از اقاله به بافت کاشان تبدیل می‌شود یا صفت بافت تبریز بودن فرش از بین می‌رود؟ قطعاً خیر و صفتی که روی فرش بوده برای صاحبش می‌شود پس نمی‌توان گفت اگر عقد منحل شود شرط صفت نیز منحل می‌شود.

نکته ۲: انحلال عقد اصلی اصولاً موجب انحلال شرط نتیجه می‌شود (مثلاً مردی خانه‌اش را می‌فروشد به شرط آنکه خریدار وکیل او شود اگر روز بعد عقد بیع را با خریدار اقاله کند وکالت

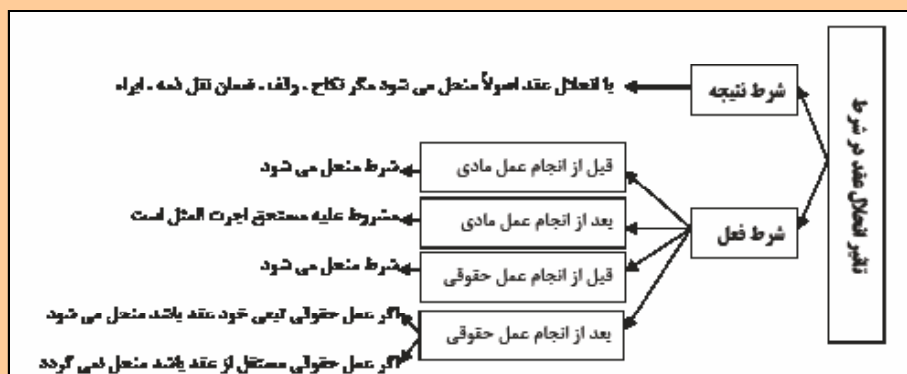
قانونیار

پتر دانش



خریدار نیز منحل می‌شود) مگر اینکه عقد نکاح یا عقد وقف یا ضمان نقل ذمه یا عقد اجاره‌ای که تابع قانون روابط موجر و مستاجر سال ۵۶ است یا ابراء ذمه شخص ثالثی به صورت شرط نتیجه ضمن عقد دیگری درج شده باشد اگر عقد منحل شود شرط نتیجه منحل نخواهد شد (مثلاً مردی خانه اش را به خانمی می‌فروشد به شرط آنکه همسرش شود و نکاح را شرط نتیجه می‌کند اگر معامله بیع خانه اقاله یا فسخ شود یا منفسخ شود ازدواج و نکاح به هم نمی‌خورد یا اگر در ضمن عقدی گفته شده خانه به فروش می‌رسد به شرط آنکه ملک خریدار وقف شود و شرایط آن انجام شد، اگر معامله به هم بخورد وقف باز نمی‌گردد).

نکته ۳: اگر شرط ضمن عقد شرط فعل مادی یا شرط انجام عمل حقوقی باشد و تا زمان انحلال عقد ایفا نشده باشد شرط در اثر انحلال عقد ساقط می‌شود مثلاً مردی خانه‌اش را می‌فروشد به شرط آنکه خریدار ماشینش را تعمیر کند سپس معامله خانه منحل می‌شود شرط فعل ضمن آن نیز (تعمیر ماشین) ساقط می‌شود یا شخصی خانه‌اش را می‌فروشد به شرط آن که خریدار مغازه‌اش را به او اجاره دهد اگر معامله خانه به هم بخورد لازم به اجاره دادن مغازه نیست اما اگر انحلال عقد بعد از انجام شرط فعل باشد در این جا باید بین شرط فعل مادی و حقوقی قائل به تفکیک شویم ۱- اگر شرط فعل مادی باشد - باید اجرت المثل آن عمل به متعهد پرداخت شود مثلاً در قرارداد فروش خانه شرط گذاشته‌اند که خریدار ماشین فروشنده را تعمیر کند حال اگر او این تعهد را انجام دهد و بعداً قرارداد منحل شود در این حالت نمی‌توان ماشین را به حالت قبلی برگرداند ولی خریدار می‌تواند اجرت المثل عمل مادی خود را از فروشنده مطالبه کند ۲- اگر شرط فعل عمل حقوقی باشد - الف - اگر شرط عمل حقوقی یک عقد مستقل باشد به قوت خود باقی می‌ماند (مثلاً اگر در قرارداد فروش خانه شرط شده باشد که خریدار باید خودروی خود را به فروشنده خانه بفروشد و این شرط یعنی معامله خودرو انجام شده باشد و سپس قرارداد اصلی یعنی قرارداد فروش خانه منحل شود) ب - اگر شرط فعل حقوقی یک عقد مستقل نباشد بلکه یک شرط فعل حقوقی تبعی باشد با انحلال عقد اصلی این شرط هم زائل می‌شود (مانند اینکه برای اجرای قرارداد فعلی و تضمین تعهدات ناشی از قرارداد فعلی عقد ضمان یا رهن یا حواله یا کفالت به عنوان شرط فعل درج شده باشد مثلاً من خانه‌ام را به شما می‌فروشم به شرط آنکه برای الباقی ثمن معامله یک ضامن بیاورید شما نیز ضامن آورده و عقد ضمان منعقد می‌شود اگر عقد بیع منحل شود ضمان نیز منحل می‌شود زیرا ضمان تابع عقد بیع است).





تحریری پتر دانش

ماده ۲۴۶ در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که درضمن آن شده است، باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عَوْض او را از مشروط له بگیرد.

نموداری پتر دانش

ماده ۲۴۶ - در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می‌تواند عَوْض او را از مشروط له بگیرد.



اعراب‌گذاری پتر دانش

ماده ۲۴۶ - در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است، باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است، عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عَوْض او را از مشروط له بگیرد.



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۱- از لحاظ قواعد مالک بر روابط استیجاری تجاری مشمول قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ کدام مورد صمیع نیست؟

- دریافت وجه بابت اجاره بها از طرف مالک یا موجر بر تسلیم او نسبت به ادعای طرف مقابل دلالت دارد.
- صدور حکم تجویز انتقال منافع به غیر صرفاً برای شغل مندرج در قرارداد اجاره یا شغل مشابه صورت می‌پذیرد. مگر اینکه در حین اجاره هیچ شغلی معین نشده باشد.
- در روابط استیجاری مشمول قانون مذکور تعیین اجاره بها در حین توافق برای اجاره شرط صحت روابط استیجاری نیست.
- در روابط استیجاری مشمول قانون مذکور، مستأجر می‌تواند به استناد تنزل هزینه زندگی درخواست تعدیل اجاره بها نماید.

گزینه الف صمیع است. مستند به تبصره ۲ ماده ۷ روابط موجر و مستأجر ۵۶

طبق تبصره ۲ ماده ۷ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۵۶ دریافت وجه بابت اجاره بها از طرف مالک یا مؤجر دلیل بر تسلیم او به ادعای طرف نخواهد بود.

نموداری پتر دانش

تبصره ۲ - دریافت وجه بابت اجاره بها از طرف مالک یا موجر دلیل بر تسلیم او به ادعای طرف نخواهد بود.



(آموزش) ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۸ (نشر) ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷

آدرس موسسه (دفتر مرکزی): تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخرآزی، نبش کوچه انوری، پلاک ۲۷



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۲- با لحاظ مقررات ماکم بر عقد هبه کدام مورد صمیع است؟

- (الف) برخلاف فوت حجر واهب قبل از قبض موجب بطلان هبه نخواهد شد.
(ب) در فرضی که ولی یا قیم مالی را به محجور می‌بخشد هبه به تراضی محقق نمی‌شود و تحقق آن محتاج قبض جدید است.
(ج) عقد هبه مختص تملیک رایگان با معوض عین نیست و منفعت مال نیز می‌تواند موضوع عقد هبه واقع شود.
(د) ماهیت بخشش طلب به مدیون ابراء محسوب می‌شود و نیازی به قبول مدیون ندارد.

گزینه ج صمیع است. مستند به ماده ۷۹۵ قانون مدنی

تعریف ماده ۷۹۵ و به ویژه کلمه مال شامل هبه دین و منفعت و حق مالی هم می‌شود و به تملیک رایگان عین اختصاص پیدا نمی‌کند. گزینه الف نادرست است زیرا باید حجر واهب را بر فوت او افزود زیرا اگر قبض داخل در مفهوم عقد و موکول به اذن واهب باشد بر حسب قاعده حجر واهب نیز باید مانع انعقاد هبه شود اما حجر متهم تأثیری در وقوع هبه ندارد و قبض مال موهوب با ولی اوست. گزینه ب نادرست است زیرا در موردی که ولی یا قیم محجور مالی را که در تصرف دارد به محجور می‌بخشد با وقوع تراضی هبه نیز تحقق پیدا می‌کند. گزینه د نادرست است زیرا بخشش طلب به مدیون ابراء محسوب نمی‌شود و نیاز به قبول مدیون دارد. (در کتاب قواعد عمومی قراردادها به زبان ساده تالیف مولفین در بحث اسباب سقوط تعهدات و در ضمن موضوع ابراء به بیان تفاوت‌های هبه طلب به مدیون پرداخته شده است و در قالب یک جدول تدوین گردیده).

ماده ۷۵۹ - حق شفعه در صلح نیست، هر چند در مقام بیع باشد.

نکته: حق شفعه از احکام مختص عقد بیع است و لذا در صلح سهم مشاع ایجاد نمی‌شود.

۱. درباره صلح کالی به کالی، کدام مورد صمیع است؟
(الف) مطلقاً باطل است.
(ب) مطلقاً صحیح است.
(ج) فقط اگر تملیکی باشد، صحیح است.
(د) فقط اگر عهده باشد، صحیح است.
(دکتری آزاد ۹۵)
۲. درباره صلح کدام مورد صمیع است؟
(الف) اگر صلح در مقام بیع باشد، برای شریک حق شفعه به وجود می‌آید.
(ب) صلح دعوای ناشی از بطلان معامله، صحیح است.
(ج) صلح بر دعوایی که در اثر حکم از بین رفته است، صحیح است.
(د) صلح دعوای بطلان، باعث تنفیذ معامله باطل می‌شود.
(دکتری آزاد ۹۵)
۳. در فصوص صلح کدام مورد صمیع است؟
(الف) هرگاه دو طرف، نسبت به ادعای بطلان معامله‌ای که انجام داده‌اند، صلح کنند، نافذ است.
(ارشر سراسری ۹۴)

پتر دانش





پتر دانش



ب) صلح مربوط به دعوای ناشی از آثار بطلان معامله (مانند استرداد دو عوض)، باطل است.

ج) صلح در مقام عقود جایز و قابل فسخ است.

د) بر دعوایی که معلوم شود در اثر حکم از بین رفته است، نیز می‌توان صلح کرد.

۴. طلافروشی مقدار یک کیلو طلا را در مقابل سی کیلو نقره به جواهرسازی صلح می‌کند. در صورتی که هنگام عقد، طلاها تمویل نگردیده و طرف مقابل صرفاً ده کیلو از نقره را مین‌العقد تمویل داده و به غم گذشت سه روز، بقیه آن را تسلیم نکرده باشد، مکم معامله و ضمانت اجرای آن به ترتیب چیست؟

الف) صحت معامله - خيار تأخير و الزام

ب) صحت معامله - حق حبس، خيار تأخير و الزام

ج) بطلان معامله - استرداد نقره‌ها

۵. با توجه به اصول مقوقی و مبانی فقهی، اگر «صلح ابتدایی در مقام بیع» غرری باشد، چه وضعیتی دارد؟

الف) غیر نافذ است.

ب) صحیح و لازم الوفا است.

ج) باطل است.

۶. احمد به عنوان خوانده دعوی از علی (فواهان) در خصوص ادعای او در موضوع طلب مبلغی وجه نقد، درخواست صلح می‌کند. درخواست وی به لحاظ مقوقی چه معنایی دارد؟

الف) به معنای اقرار ضمنی به اصل استحقاق علی و میزان طلب او است.

ب) صرفاً به معنای اقرار ضمنی به اصل استحقاق علی است.

ج) اقرار محسوب نمی‌شود.

د) متضمن اقرار نیست، ولی از جمله قرائین مثبت است.

(تألیفی)

۷. کدام گزینه صمیع نیست؟

الف) صلح نسبت به مال مرهونه، غیر نافذ است.

ب) هر نوع مال اعم از عین یا منفعت و نیز حقوق می‌توانند مورد صلح قرار گیرند.

ج) سقوط دعوای مربوط به احوال شخصیه، به وسیله صلح امکان پذیر است.

د) صلح دعوای بطلان، موجب تنفیذ معامله باطل می‌شود.

(تألیفی)

۸. کدامیک از ویژگی‌های عقد صلح نیست؟

الف) رضایی

ب) ممکن است عهده یا تملیکی باشد.

ج) جایز

د) ممکن است معوض یا مجانی باشد.

پاسخنامه

۸ ج

۷ د

۶ ج

۵ ب

۴ د

۳ الف

۲ ب

۱ ب

تحریر
پتر دانش

حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد.

ماده ۷۵۹



(آموزش) ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۸ (نشر) ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷

آدرس موسسه (دفتر مرکزی): تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخرآزی، نبش کوچه انوری، پلاک ۲۷



نموداری پتر دانش

ماده ۷۵۹- حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد.

اصراپ گذاری پتر دانش

ماده ۷۵۹- حَقِّ شُفْعِهِ در صلح نیست؛ هر چند در مقام بیع باشد.



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۳- کدام مورد در فصوص معاملات ورثه نسبت به اعیان ترکه صمیم است؟

- الف) عدم نفوذ این معاملات صرفاً مختص تصرفات ناقل عین بوده و قراردادهای مربوط به اداره ترکه هر چند انتقال منفعت باشد، صحیح است.
- ب) معامله هر یک از وراث نسبت به سهم خود از عین مال مشروط به پرداخت حصه خود از کل دین صحیح است.
- ج) پرداخت دین طلبکار موجب نفوذ این معاملات نخواهد شد و با درخواست ذی‌نفع امکان صدور حکم به بطلان وجود دارد.
- د) هرگونه معامله نسبت به اعیان ترکه قبل از تصفیه دیون غیرنافذ بوده و دیان و طرف قرارداد حق برهم زدن معامله را دارند.

گزینه الف صحیح است. مستند به ماده ۸۷۱ قانون مدنی

طبق ماده ۸۷۱ ق.م هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را برهم زنند.

قانونیاری پتر دانش



ماده ۸۷۱- هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است، معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را برهم زنند.

- نکته ۱:** در این حالت، خود طرفین معامله، حق استناد به عدم نفوذ آن را ندارند، بلکه معامله میان آن‌ها صحیح و نافذ است، ولی در برابر طلبکاران قابل استناد نیست.
- نکته ۲:** طبق ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی، تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره، نافذ نیست، مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادا دیون.
- نکته ۳:** حکم این ماده شامل قراردادهایی که برای اداره ترکه منعقد می‌شوند، نیست، مانند تعمیر و اجاره.
- نکته ۴:** طبق نظر دکتر کاتوزیان، بنا بر ظاهر ماده ۸۷۱ عدم نفوذ، مشروط به عدم پرداخت دین است. پس از پرداخت دین، طلبکار نفعی در اقامه دعوی بطلان معاملات وارثان ندارد و به این استناد که معامله قبل از پرداخت دین انجام شده است، نمی‌توان حکم به بطلان آن داد، به بیان



دیگر، پرداخت دین، معامله را نافذ می‌کند.
نکته ۵: اقامه‌ی دعوی بطلان معاملات صرفاً توسط طلبکار امکان‌پذیر است.

تحریریه پتر دانش

ماده ۸۷۱ هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترک‌ه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است، معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.
مواد مرتبط: ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی



ماده ۸۷۱ - هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترک‌ه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است، معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.

نموداری پتر دانش



ماده ۸۷۱ - هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترک‌ه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است، معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.

اعراب‌گذاری پتر دانش

سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۱۴- مطابق قواعد ماکم بر فیاریات کدام مورد صحیح است؟

- (الف) با اسقاط خیار غبن در عقد خیار غبن مطلقاً ساقط می‌شود.
(ب) در صورت وجود خیار برای متعاملین چنانچه یکی از آنها عقد را امضا و دیگری فسخ نماید معامله منحل خواهد شد.
(ج) خیار تدلیس احتمالی قبل از اشرافیت به وقوع آن نیز قابل اسقاط است.
(د) خیار تبعض صفقه در کلیه قراردادهای معوض و رایگان جریان دارد.

گزینه ب صحیح است. مستند به ماده ۳۶۳ قانون مدنی

قانونیاری پتر دانش



ماده ۳۶۳ - در عقد بیع، وجود خیار فسخ برای متبایعین یا وجود اجلی برای تسلیم بیع یا تأدیه ثمن، مانع انتقال نمی‌شود. بنابراین اگر ثمن یا بیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن، احد متعاملین مفلس شود، طرف دیگر حق مطالبه آن عین را خواهد داشت.

نکته ۱: اگر بیع عین معین باشد، ورشکستگی بایع پس از انعقاد عقد، مانع از این نیست که مشتری عین را مطالبه کند. زیرا عین، معین بوده و به محض انعقاد عقد، به مالکیت مشتری منتقل شده است.



قانونیار پتر دانش



- نکته ۲:** در نکته فوق مقصود از اینکه مشتری حق مطالبه عین معین را دارد، این است که مشتری بابت مبیع، وارد غرمای ورشکسته نمی‌شود.
- نکته ۳:** مقصود از قسمت دوم این ماده، این است که فروشنده یا خریدار پس از بیع و پیش از تسلیم مورد تعهد ورشکسته شود. در این صورت، چون عین مبیع یا ثمن، قبل از آن انتقال یافته است، طلبکاران ورشکسته حقی بر آن ندارند.
- نکته ۴:** معامله با حق استرداد، مملک نیست و صرفاً حق عینی تبعی (مانند حق مرتهن) برای خریدار ایجاد می‌کند.

تحریر

پتر دانش



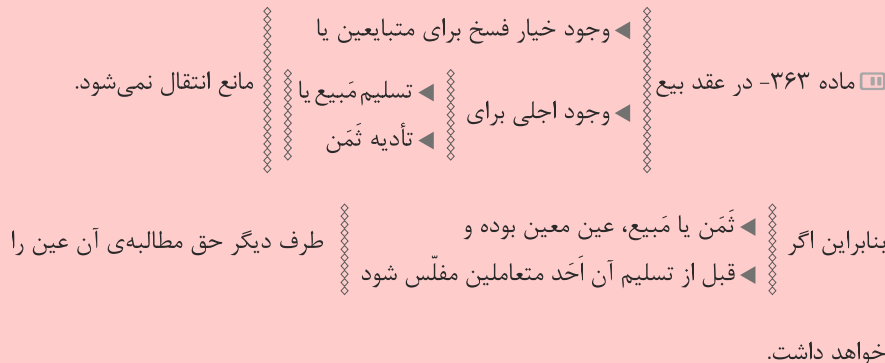
ماده ۳۶۳ در عقد بیع، وجود خيار فسخ برای متبایعین^۱ وجود اجلی برای تسلیم مبیع یا^۲ تأدیه ثمن، مانع انتقال نمی‌شود. بنابراین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن، احد متعاملین مفلس شود، طرف دیگر حق مطالبه آن عین را خواهد داشت.

مواد مرتبط: ماده ۳۸۷ قانون مدنی

رای وحدت رویه مرتبط: رای شماره ۸۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۴

واژگان دشوار: متبایعین: خریدار و فروشنده، مفلس: شخصی که اموال و دارایی او کمتر از بدهی‌هایش باشد.

نموداری پتر دانش



اصرا بگذاری

پتر دانش



ماده ۳۶۳ - در عَقْدِ بَیْع، وجودِ خِيارِ فَسخ، برای مُتَبایِعین^۳ یا^۴ وجودِ اَجَلی برای تَسْلیمِ مَبیع یا^۵ تَأدیه ثَمَن، مانعِ اِنْتِقال نمی‌شود. بنابراین اگر ثَمَن یا مَبیع، عَینِ مَعین بوده و قَبْل از تَسْلیمِ آن، اَحَدِ مُتَعامِلین، مُفَلّس^۶ شود، طَرَفِ دیگر، حَقِّ مُطالبه آن عَین را خواهد داشت.

- ۱- در روزنامه رسمی به جای «یا»، «با» درج گردیده است.
- ۲- در روزنامه رسمی به جای «یا»، «با» درج گردیده است.
- ۳- بایع و مشتری
- ۴- در روزنامه رسمی به جای «یا»، «با» درج گردیده است.
- ۵- در روزنامه رسمی به جای «یا»، «با» درج گردیده است.
- ۶- ورشکسته



۱۵- براساس مقررات ماکم بر استیفای عمل دیگری کدام مورد صمیم است؟

- الف) در مطالبه اجرت‌المثل عمل اصل بر عدم وجود قصد تبرع است.
- ب) در صورت تعیین اجرت‌المثل یا نحله بدل از آن حقوق استحقاقی زوجه که از شرط تنصیف دارایی ناشی شده است زائل خواهد شد.
- ج) اگر زوج زوجه را به انجام تکالیف قانونی زوجه امر کرده باشد زوجه حق مطالبه اجرت‌المثل را خواهد داشت.
- د) مشروعیت و اباحه فعل انجام یافته اثری در امکان مطالبه اجرت‌المثل ندارد.

گزینه الف صمیم است. مستند به ماده ۲۶۵ قانون مدنی

قانونیار پتر دانش



ماده ۲۶۵- هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر، در عدم تبرع است. بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد، بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.

نکته ۱: اگر پرداخت کننده، مدعی باشد که پرداخت مال به دیگری بابت ایفای دین نبوده، بلکه برای وکالت دادن به او یا ودیعه گذاشتن آن یا قرض دادن به او بوده، باید ادعای خود را اثبات کند. زیرا اماره مدیونیت، به سود طلبکار جریان دارد.

نکته ۲: اگر پرداخت کننده، مدعی باشد که دینی وجود نداشته و پرداخت ناشی از اشتباه بوده است و طرف مقابل نیز مدعی وجود دین باشد، اماره مدیونیت به سود طرف مقابل جریان دارد. لذا پرداخت کننده بایستی عدم وجود دین را ثابت کند.

نکته ۳: در تعارض اصل براءت و اماره مدیونیت، اماره مدیونیت حاکم است. لذا کسی که مالی را در وجه دیگری پرداخت کرده، برای استرداد آن نمی‌تواند به اصل براءت ذمه خود استناد کند، بلکه باید عدم وجود دین را ثابت کند.

نکته ۴: وجود چک نزد دارنده، اماره مدیون بودن صادرکننده چک می‌باشد و استرداد آن منوط و مستلزم اثبات براءت ذمه است.

نکته ۵: در تعهداتی که موضوع آنها ترک فعل است، اصل عدم، به سود متعهد جریان دارد و لذا متعهدله است که بایستی نقض تعهد را اثبات کند.

نکته ۶: اصل بر براءت است و لذا هیچ کس دینی در برابر دیگری ندارد، مگر اینکه ثابت شود که دینی دارد. ولی در صورت اثبات وجود دین، اصل بر اشتغال ذمه است مگر اینکه مدیون، ایفای دین را اثبات کند.

نکته ۷: نظری که اقوی است این می‌باشد که قصد انشاء در وفای به عهد شرط نیست؛ بلکه برای تحقق آن فقط وجود تعهد قبلی و ایفایی که منطبق با موضوع تعهد باشد لازم است. اگرچه در برخی از موارد با توجه به نوع تعهد ممکن است توافق طرفین لازم باشد و مانند موردی که موضوع تعهد انتقال



قانونیار

مال در آینده است (مثلاً در تعهد به بیع، متعهد با توافق متعهدله موضوع تعهد را به او انتقال می‌دهد).
نکته ۸: این ماده حاوی اماره‌ی قانونی، «تبرعی نبودن دادن مال به دیگری» است.



تحریری پتر دانش

ماده ۲۶۵ هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر، در عدم تبرع است. بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.
واژگان دشوار: تبرع: رایگان و مجانی

نموداری پتر دانش

ماده ۲۶۵ هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است؛ بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد، بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.



ماده ۲۶۵ هر کس مالی به دیگری بدهد، ظاهر در عدم تبرع است. بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد، بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.

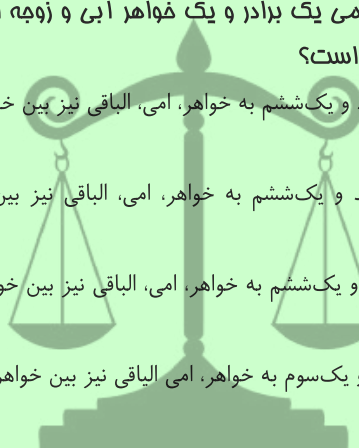
اعراب‌گذاری پتر دانش

سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۶ متوفی دارای یک خواهر امی یک برادر و یک خواهر آبی و زوجه است کدام مورد در فصوص نمونه تقسیم ماترک وی صمیع است؟

- الف) یک‌هشتم به زوجه می‌رسد و یک‌ششم به خواهر، امی، الباقی نیز بین خواهر و برادر ابی به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.
- ب) یک‌هشتم به زوجه می‌رسد و یک‌ششم به خواهر، امی، الباقی نیز بین خواهر و برادر ابی به صورت بالمناصفه تقسیم می‌شود.
- ج) یک‌چهارم به زوجه می‌رسد و یک‌ششم به خواهر، امی، الباقی نیز بین خواهر و برادر ابی به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.
- د) یک‌چهارم به زوجه می‌رسد و یک‌سوم به خواهر، امی، الباقی نیز بین خواهر و برادر ابی به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

گزینه ج صمیع است. مستند به ماده ۸۶۲ قانون مدنی





قانونیار پتر دانش



ماده ۸۶۲ - اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند، سه طبقه‌اند:

- ۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
- ۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
- ۳) اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

نکته ۱: اعمام، عموهای متوفی و عمات، عمه‌های متوفی و احوال، دایی‌های متوفی و خالات، خاله‌های متوفی می‌باشند.

نکته ۲: مقصود از اجداد، پدر بزرگ و مادر بزرگ است، هر قدر که بالا رود.

نکته ۳: در بند دوم، مقصود از «اولاد آنها»، اولاد برادر و خواهر است، نه اجداد.

نکته ۴: فرزندان خواهر و برادر و پدر و مادر جد و جده، در طبقه دوم قرار دارند.

تحریری پتر دانش



ماده ۸۶۲ - اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

- ۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
 - ۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
 - ۳) اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.
- واژگان دشوار:** اعمام (جمع عم): در معنی عام یعنی عموها و عمه‌ها، احوال (جمع خال): در معنای عام یعنی دایی‌ها و خاله‌ها

نموداری پتر دانش



- ◀ ۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
- ◀ ۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
- ◀ ۳) اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

اعراب‌گذاری پتر دانش



ماده ۸۶۲ - اشخاصی که به موجب نسب، ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

- ۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
- ۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
- ۳) اعمام^۱ و عمات^۲ و احوال^۳ و خالات^۴ و اولاد آنها.

- ۱- عموها
- ۲- عمه‌ها
- ۳- دایی‌ها
- ۴- خاله‌ها



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۷- کدام مورد در فصوص مقوق ناشی از حق مؤلف، صمیع است؟

- (الف) نقل از آثار انتشار یافته و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و آموزشی بدون هیچ محدودیتی مجاز است.
- (ب) آثار مربوط به نویسندگان ایرانی اگر برای اولین بار در خارج از کشور چاپ شوند به شرط چاپ مجدد در ایران از حمایت قانونی برخوردار خواهند بود.
- (ج) ذکر مأخذ در جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه می‌شود مطلقاً الزامی است.
- (د) روش و طریقه نیل به ابتکار دانش یا هنر در بهره‌مندی از حق مؤلف پیش‌بینی شده در قانون تأثیری ندارد.

گزینه د صمیع است. مستند به اصول مقوقی

۱۸- کدام مورد در فصوص فسخ قرارداد جعاله توسط جاعل صمیع نیست؟

- (الف) اگر عامل بدون آگاهی از فسخ جاعل کار موردنظر را انجام دهد حتی بر اجرت ندارد و تنها می‌تواند اجرت‌المثل بگیرد.
- (ب) چنانچه عقد جعاله‌ای که برای عمل نامشروعی بوده است فسخ شود به دلیل بطلان ذاتی عقد، عامل مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود.
- (ج) اثر فسخ قرارداد ناظر بر آتیه است و نسبت به اعمال از قبل انجام یافته حسب مورد باید اجرت‌المسمی یا اجرت‌المثل پرداخت شود.
- (د) در صورت فسخ قرارداد جعاله عامل در هر فرضی مستحق اجرت‌المثل اعمال انجام یافته در فرایند جعاله خواهد بود.

گزینه د صمیع است. مستند به ماده ۵۶۵ قانون مدنی

ماده ۵۶۵- جعاله، تعهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید، باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد.

- نکته ۱:** در صورتی که عمل مورد جعاله به طور کامل انجام شده باشد، در این حالت، عقد به سرانجام خود رسیده است و لذا بحث از فسخ عقد معنایی ندارد.
- نکته ۲:** در صورتی که در اثنای مدت جعاله، جاعل عقد را فسخ کند، بایستی اجرت‌المثل عمل انجام‌شده عامل را به او بپردازد.
- نکته ۳:** از آنجا که جعاله عقدی است جایز، اگر ضمن عقد لازمی شرط شده باشد، طرفین نمی‌توانند

قانونیار
پتر دانش





قانونیار پتر دانش



- عقد را فسخ کنند ولی حتی در این حالت نیز عقد به فوت یا جنون یکی از طرفین، منفسخ می‌شود.
- نکته ۴:** در صورت فوت یا جنون یکی از طرفین و انفساخ عقد جعاله، هرگاه عمل انجام شده، جزئی از مطلوب جاعل باشد، اجرت آن بخش پرداخت می‌شود.
- نکته ۵:** مفاد این ماده ناظر به حالتی است که عمل مطلوب، بسیط و تجزیه‌ناپذیر باشد.
- نکته ۶:** در صورتی که جاعل بدون آگاهی از فسخ، عمل مطلوب را انجام دهد، استحقاقی بر اجرت ندارد و فقط می‌تواند اجرت‌المثل بگیرد.
- نکته ۷:** مبنای التزام جاعل به پرداخت اجرت‌المثل، قرارداد جعاله نیست، بلکه جریان ضررهای وارده به عامل و مسئولیت مدنی است.
- نکته ۸:** اجرت‌المثل در این ماده، از باب استیفای مشروع است.

۱. تفاوت جعاله با اجاره اشخاص چیست؟ (مشاوران حقوقی ۹۶)

- الف) جعاله، عقدی است جایز و اجاره، عقدی است لازم.
- ب) در جعاله، اهلیت عامل، شرط نیست ولی در اجاره، اهلیت اجیر شرط است.
- ج) جعاله ایقاع است و اجاره عقد.
- د) در جعاله عامل از زمان عقد استحقاق اجرت دارد، ولی در اجاره اشخاص پس از انجام عمل.
۲. کشاورزی با کامیون‌داری، توافق می‌کند که در ازای ممل‌موصول برنج او که مقدار آن نامشخص است، از روستا به شهر، پنج درصد از برنجه‌ها را به عنوان اجرت ممل، متعلق به کامیون‌دار باشد. وضعیت قرارداد چگونه است؟ (قضات ۹۵)

- الف) عقد اجاره محسوب می‌شود و باطل است.
- ب) صرفاً در غالب عقد صلح می‌تواند صحیح باشد.
- ج) عقد جعاله محسوب می‌شود و صحیح است.
- د) عقد جعاله محسوب می‌شود و باطل است.
۳. التزام جاعل به پرداخت اجرت‌المثل، در صورت (مجموع از جعاله در اثنای عمل، بر کدام مبنا استوار است؟ (ارشر سراسری ۹۵)

- الف) قرارداد جعاله
- ب) نقض لزوم وفای به عهد
- ج) احترام عمل عامل
- د) قاعده «کل عقد یضمن بصحیحه، یضمن بفاسده»
۴. کدام یک از ویژگی‌های عقد جعاله، صمیم نیست؟ (تالیفی)

- الف) معوض
- ب) جایز
- ج) رضایی
- د) مبتنی بر مغاینه
۵. کدامیک در فصوص عقد جعاله صمیم نیست؟ (تالیفی)

- الف) در صورتی که عمل توسط عامل انجام شده باشد، فسخ عقد امکان‌پذیر نیست.
- ب) در جعاله، عامل حق حبس دارد.
- ج) در صورت فوت یا جنون یکی از طرفین، عقد منفسخ می‌شود.
- د) در جعاله، تعهد عامل، تعهد به نتیجه است.



قانونیار پتر دانش



۶. در قراردادی، پیمانکار نصب تأسیسات مرارتی و برودتی یک مجتمع مسکونی را در برابر اجرتی که بعداً تعیین خواهد شد بر عهده می‌گیرد. قرارداد مزبور چه وضعیتی دارد؟ (ارشر سراسری ۹۹)

الف) جعاله و باطل است. ب) اجاره و باطل است.

ج) جعاله و صحیح است. د) اجاره و صحیح است.

۷. جهاد مقداری طلا در اختیار مسین می‌گذارد تا آن‌ها را بفروشند و طرفین در سود معامله شریک شوند. این پیمان، تابع عواقب کدام عقد است؟ (ارشر سراسری ۹۹)

الف) جعاله ب) شرکت ج) مضاربه د) حق العمل کاری

پاسخنامه

۱ الف ۲ ج ۳ ج ۴ د ۵ ب ۶ ج ۷ د



تحریری پتر دانش

ماده ۵۶۵ جعاله، تعهدی است جائز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید، باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد. **مواد مرتبط:** ماده ۶۸۰ قانون مدنی

نموداری پتر دانش

ماده ۵۶۵ - جعاله تعهدی است جائز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند، ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید، باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد.



اعراب‌گذاری پتر دانش

ماده ۵۶۵ - جعاله، تعهدی است جائز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند؛ ولی اگر جاعل در اثناء عمل، رجوع نماید، باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد.

سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۱۹- کدام مورد در فصوص عزل وکیل توسط موکل در وکالت مدنی، صمیع نیست؟

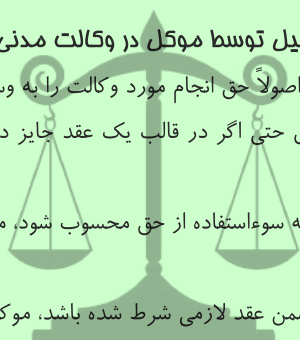
الف) شرط وکالت ضمن عقد لازم اصولاً حق انجام مورد وکالت را به وسیله موکل از بین نمی‌برد.

ب) التزام به شرط عدم عزل وکیل حتی اگر در قالب یک عقد جایز دیگر نیز واقع شود، مانع امکان عزل وکیل توسط موکل خواهد بود.

ج) عزل ناروای وکیل در موردی که سوءاستفاده از حق محسوب شود، موجب مسئولیت مدنی موکل خواهد بود.

د) اگر وکالت وکیل یا عدم عزل ضمن عقد لازمی شرط شده باشد، موکل حق عزل وکیل را نخواهد داشت.

گزینه ب صمیع است. مستند به ماده ۶۷۹ قانون مدنی



(آموزش) ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۸ (نشر) ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷

آدرس موسسه (دفتر مرکزی): تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخرآزی، نبش کوچه انوری، پلاک ۲۷



قانونیار پتر دانش



ماده ۶۷۹- موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر اینکه وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

نکته ۱: در صورتی که وکالت وکیل یا عدم عزل، ضمن عقد جایز دیگری شرط شده باشد، وکالت مستقلاً قابل فسخ نیست؛ بلکه مادام که عقد اصلی باقی است، وکالت نیز باقی خواهد بود و در صورت انحلال عقد اصلی، وکالت نیز به تبع آن منحل خواهد شد.

نکته ۲: در صورت شرط وکالت یا شرط عدم عزل و عدم استعفا ضمن عقد لازم، نه وکیل حق استعفا دارد و نه موکل می‌تواند او را عزل کند.

نکته ۳: ساقط کردن حق عزل در صورتی معتبر است که مخالف نظم عمومی نباشد. پس اگر حق عزل و استعفا مربوط به امور خاص یا مقید به مهلت باشد، سلب حق به طور جزئی تلقی شده و صحیح است.

نکته ۴: اگر حق عزل در وکالت عام به صورت دائم ساقط شود، خلاف نظم عمومی است و نیز سلب حق به طور کلی بوده و باطل می‌باشد.

نکته ۵: در صورتی که وکالت به صورت شرط نتیجه ضمن عقد لازمی شرط شود، هیچ‌کدام از طرفین حق فسخ عقد وکالت را ندارند و عزل وکیل باطل و بی‌اثر است، مگر در صورتی که شرط وکالت فقط به سود یکی از طرفین باشد.

نکته ۶: اگر وکالت ضمن عقد لازم به صورت شرط فعل درج شود، وفای به شرط یعنی اعطای وکالت، الزام‌آور است، ولی مفاد شرط فقط ناظر به لزوم اعطای وکالت است نه حفظ آن. لذا در صورتی که گزینه‌ای خاصی بر قصد مشترک طرفین بر التزام به حفظ وکالت موجود نباشد، هر کدام از طرفین حق فسخ عقد را دارند.

نکته ۷: در صورتی که عدم عزل وکیل به صورت شرط نتیجه ضمن عقد لازمی شرط شود، حق عزل وکیل از موکل سلب می‌شود.

نکته ۸: اگر عدم عزل وکیل به صورت شرط فعل ضمن عقد لازمی شرط شود، موکل همچنان حق عزل وکیل را دارد، ولی در صورت عزل وکیل، به دلیل تخلف از شرط، کسی که در عقد لازم مشروط‌له این شرط بوده، می‌تواند آن عقد را فسخ کند.

نکته ۹: عزل وکیل ممکن است ضمنی باشد، مانند تعیین مدیرجدید برای مؤسسه‌ای که یک مدیر پیشتر ندارد.

نکته ۱۰: در صورتی که موکل با سوءاستفاده از حق، وکیل را عزل کند، مسئول خسارات وارده به وکیل خواهد بود.

نکته ۱۱: مفاد این ماده، شامل استعفای وکیل نیز می‌شود.

نکته ۱۲: اگر ضمن وکالت، اسقاط حق عزل شرط شود نیز، معتبر و الزام‌آور است.



قانونیار پتر دانش

نکته ۱۳: در صورتی که وکالت یا عدم عزل یا عدم استعفای وکیل، ضمن عقد جایز دیگری شرط شود، الزام به وفای آن، محدود به مدت بقای عقد است.

نکته ۱۴: شرط وکالت ضمن عقد لازم، حق انجام مورد وکالت توسط موکل را از بین نمی‌برد، مگر اینکه در شرط، تصریح به سقوط این حق شود.



تحریریه پتر دانش

ماده ۶۷۹ موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.



ماده ۶۷۹ - موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند؛ مگر اینکه وکالت وکیل ویا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

نمودار پتر دانش

اصراپ‌گذاری پتر دانش

ماده ۶۷۹ - مَوَكِّل، می‌تواند، هر وقت بخواهد، وکیل را عَزَل کند مگر اینکه وکالت وکیل یا عَدَمِ عَزَل در ضَمَنِ عَقْدِ لازمی، شَرَط شده باشد.



سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۴

۲۰- براساس مقررات ماکم بر نهاد وصیت در حقوق ایران، کدام مورد صمیم است؟

(الف) رد وصیت قبل از فوت موصی مانع قبول مجدد آن بعد از فوت موصی توسط موصی‌له نبوده و وصیت در چنین فرضی معتبر است.

(ب) تبعیض در قبول و رد وصیت مطلقاً امکان‌پذیر است.

(ج) وصیت به مال غیر و معلق به فوت موصی غیرنافذ است.

(د) در وصیت تملیکی در هر حالتی قبول شرط صحت است حتی اگر برای بریات عمومیه باشد.

گزینه الف صمیم است. مستند به ماده ۸۳۰ قانون مدنی



قانونیار پتر دانش

ماده ۸۳۰ - نسبت به موصی‌له، رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است. بنابراین اگر موصی‌له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد، بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد، دیگر نمی‌تواند آن را رد کند، لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد، بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.





قانونیاری پتر دانش



نکته ۱: در وصیت، قبض، شرط صحت نیست؛ زیرا وصیت تملیکی، یک عقد رضایی است. اما قبض در وصیت، شرط لزوم است. پس نسبت به موصی له، قبول یا رد او پس از فوت موصی معتبر است.

نکته ۲: اگر موصی له قبل از قبول یا رد وصیت، فوت کند، وصیت باطل می شود؛ مگر در صورتی که مفاد ایجاب موصی، به گونه ای باشد که بر حفظ آن برای وراث موصی له دلالت کند و یا ثابت شود که موصی له قبل از فوت، وصیت را به طور ضمنی پذیرفته است.

نکته ۳: رد پس از قبول وصیت امکان پذیر است، مگر اینکه موصی له، موصی به را قبض کرده باشد.

نکته ۴: طبق نظر دکتر کاتوزیان، اگر موصی له پس از قبول وصیت، در زمان حیات موصی، در همان دوران وصیت را رد کند، پس از فوت دوباره بایستی آن را قبول کند، زیرا با اینکه رد موصی له در زمان حیات موصی، ایجاب را از بین نمی برد، استصحاب بقای رضای موصی له را قطع می کند.

نکته ۵: نکته ی حائز اهمیت اینکه، اجازه نباید مسبوق به رد باشد و تنها استثنای آن در عقد وصیت تملیکی می باشد.

تحریری پتر دانش



ماده ۸۳۰ نسبت به موصی له، رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است. بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت می تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمی تواند آن را رد کند لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.

ماده ۸۳۰- نسبت به موصی له، رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است.

بنابراین اگر موصی له

قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت می تواند آن را قبول کند و

اگر بعد از فوت،

آن را قبول و

موصی به را قبض کرد

دیگر نمی تواند

آن را رد کند

لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.

لموداری پتر دانش





اعراب‌گذاری پتر دانش



ماده ۸۳۰- نسبت به موصی‌له، ردّ یا قبول وصیت، بعد از فوت موصی معتبر است. بنابراین اگر موصی‌له قبل از فوت موصی، وصیت را ردّ کرده باشد، بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت، آن را قبول و موصی‌به را قبض کرد، دیگر نمی‌تواند آن را ردّ کند؛ لیکن اگر قبل از فوت، قبول کرده باشد، بعد از فوت، قبول ثانوی، لازم نیست.